

تکنیک‌های دیپلماتیک «ابن فرا»

روح اله اسلامی^۱

چکیده

یکی از هدف‌های علم سیاست پرهیز از خشونت و ایجاد شرایط و ساختاری است که از طریق آن صلح تأمین شود. در قرن بیستم متفکران سیاست خارجی، دیپلماسی و حقوق بین‌الملل راجع به تنظیمات سیاست و رفتار بازیگران بین‌الملل تکنیک‌های زیادی را با منطق مکانیکی و کوانتومی ابداع کرده‌اند. در دوران سنتی که دولت ملی، سازمان‌های بین‌الملل، وزارت‌خانه‌ها و سفارت‌ها موجود نبودند و قدرت سیاسی شکلی پادشاهی و استبدادی داشت، برخی از متفکران راجع به آداب دیپلماتیک و تشریفات و تکنیک‌ها در رفتار بازیگران بین‌الملل گزاره‌هایی ارزشمند نوشته‌اند. «ابن فرا» نویسنده‌ای بسیار خلاق و سیاست‌شناس در دوره میانه اسلامی است که یکی از نخستین رساله‌های آداب دیپلماتیک و تشریفات سفارت را با منطق حکومت‌مندی سنتی و متأفیزیکی با استفاده از منابع اسلامی، یونانی و ایرانی نوشته است. «رسال الملوک» رساله‌ای کاملاً تکنیکی است که در آن از استخدام و آموزش و تمرین، تا ویژگی‌های دیپلمات و تشریفات جزئی سفارت مورد تحلیل قرار گرفته است. این مقاله با استفاده از روش پدیدارشناسی و چارچوب تئوری حکومت‌مندی دیپلماسی، قصد دارد کتاب «رسال الملوک»، را به صورت انتقادی واکاوی کند.

کلید واژه‌ها: دیپلماسی اسلامی، تکنیک‌های دیپلماتیک، ابن فرا.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، eslami.r@um.ac.ir

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تداوم تکنولوژی‌های قدرت در ایران» است که در دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری تصویب و توسط محقق انجام شد.

مقدمه

منابع تئوریک سیاسی سنتی ایران و اسلام بسیار زیادند (بنگرید به جاحظ، ۱۳۰۸، ص ۱۵۶) اما هنوز مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته‌اند. سنت سیاسی به علت ساختار قدرتمند زبانی و تداوم میراث ناخودآگاهی (یونگ، ۱۳۸۳، صص ۱۰۵-۸۶)، همیشه در رفتار بازیگران باقی می‌ماند، اما بازیگران نمی‌دانند که ریشه عملکردها چیست؛ چراکه معمولاً انسان‌ها به صورت بسیار بدیهی در سنت زندگی می‌کنند. یکی از اهداف این مقاله زنده کردن، به حرف آوردن و نقد سنت دیپلماتیک اسلامی-ایرانی است. تکنیک گونه‌ای از عملیاتی کردن شعارها می‌باشند. در سیاست شعارهای زیادی وجود دارد که تنها با تکنیک می‌توان آن‌ها را به صورت عملی پیاده ساخت. تأکید این مقاله بر تکنیک‌های به کار گرفته شده در عرصه سیاسی است. آنچه اهمیت دارد این است که سنت سیاسی ایران و اسلام در متن خود دیده شود، با این سنت هم‌دلی شود و به‌ویژه شرایط اجتماعی و سیاسی‌ای که متن در آن نفس می‌کشد است، زنده گردد تا با متن رابطه‌ای تفهیمی برقرار شود. سنت اندیشه سیاسی ایران و اسلام به صورتی بنیادین متافیزیکی است که معمولاً با زبان دینی و روش قیاسی جهان را پدیدار می‌سازد. روابط اجتماعی و سیاسی نیز در روایت مذهبی پدیدار می‌شوند و در گوشه‌ای از منظومه کیهانی قرار می‌گیرند (فارابی، ۱۳۸۹، ص ۲۷). بنابراین، متفکرانی که به صورت خاص از سیاست داخله و خارجه بحث کنند اندک‌اند. «ابن فرا» از معدود نویسندگان و محققان سیاسی جهان اسلام است که با توجه به مبانی ایرانی و اسلامی توانسته است راجع به تکنیک‌های دیپلماسی و آداب تشریفات در سیاست خارجی گزاره‌هایی بسیار فنی تولید نماید.

دغدغه این نوشتار، تحلیل متنی کاملاً تکنیکی و پیشرو در تمدن اسلامی-ایرانی است که وجوهی از شیوه‌های حکمرانی سیاست خارجی امروز ما را نیز نمایان می‌سازد و می‌تواند به برخی از جنبه‌های بومی و خودی‌سازی دانش سیاسی نیز کمک کند. تکیه بر تقوا و حکمرانی بر خود به عنوان معیار انتخاب سفیر، سیاست خارجی متعهد و مبتنی بر بسط اسلام، تعریف سفارت به مثابه ادامه رسالت پیامبر(ص)، جا دادن اصول دیپلماسی کلان در متافیزیک و ... همه به نحوی بسیار سیستمی و کارآمد در گزاره‌های ابن فرا وجود دارد. او نخست از مبانی و کلیات شروع می‌کند و سپس به استخدام سفیر و ویژگی‌های اخلاقی و کیفیت رفتار او می‌پردازد. ابن فرا هر چه پیش می‌رود، رگه‌های تکنیکی و واقع‌گرایانه اندیشه او برای به دست آوردن اطلاعات، رعایت تشریفات، شیوه‌نامه نوشتن، حفظ بقای سیستم سیاسی و تکنیک‌های جزئی دیپلماسی افزایش پیدا می‌کند. ابن فرا متفکری است که خود عرصه عمل را تجربه کرده است و از منابع اسلامی، یونانی و به‌ویژه سیاست‌نامه‌های ایرانی استفاده می‌کند، تا منافع جهان اسلام، پادشاه و سیستم سیاسی، سفیر و مردم را حفظ کند. البته او تئوری‌پردازی منطقی و کیهانی همانند فارابی نیست، بلکه به

عملیاتی شدن اندیشه‌اش بسیار بها می‌دهد و با آوردن موقعیت‌ها و جایگاه‌های گوناگون در قالب حکایت‌های مختلف نشان می‌دهد که راه درست سیاسی برای کنش‌گری سفیر چیست. در این مقاله پرسش‌های اصلی این است که با توجه به روش پدیدارشناسی و چارچوب تئوریک حکومت‌مندی، دیپلماسی اسلامی ابن فرا چه تکنیک‌هایی را برای عرصه دیپلماتیک ارائه می‌دهد، سازه‌های ذهنی متافیزیکی و ساختار استبدادی چگونه در نوشتار «رسل الملوک» متبلور می‌شوند و تکنیک‌های استخدام، صفات سفیر، تشریفات، پیام رساندن، سؤال و جواب و اصول حاکم بر آیین سفارت از دیدگاه ابن فرا چیست.

۱- «ابن فرا» کیست؟

ابویعلی محمد بن‌الحسین بن محمد خلف بن احمد، معروف به «ابن فرا» (۴۵۰-۳۶۰ ه.ق.) فقیه، قاضی و معتمد دو خلیفه عباسی به نام‌های قادر و قائم در بغداد بوده است (فدایی مهربان، ۱۳۸۹). ابن فرا حنبلی مذهب بود و در دوران خویش با علم حدیث و کلام به نقد عقاید معتزله، اسماعیله و ... پرداخت. در زمان ابن فرا بغداد در مدیریت آل بویه شیعه مذهب بود که گرایش‌های ایرانی فراوانی داشتند. این متفکر در زمان حیات خود هشت سلطان آل بویه را تجربه کرد و به خاطر تلاطم حوادث سیاسی و رفت‌وآمد حکمرانان و به‌ویژه دعوی سلاطین با خلیفه و منازعات کلامی و فرقه‌ای به شدت واقع‌گرا شد. بیش از سیاست به دانش و تحقیق علاقه داشت و اغلب مناصب پیشنهادی را رد می‌کرد. دو خلیفه بغداد برای او احترام فراوان قائل بودند، ولی ابن فرا تنها به فقاهت پرداخت و در اثر اصرار فراوان منصب قضاوت را نیز بر عهده گرفت. تنها یک بار مسئولیت تشریفات دستگاه خلافت را برعهده گرفت، اما به‌خوبی به ریزه‌کاری‌ها و شیوه‌ها و آداب دیپلماتیک آگاهی داشت. او کتاب‌های «ابطال التاویلات»، «رسل الملوک» و «احکام السلطانیه» را نوشت و رسائل فراوانی در علم حدیث، احکام و عقاید از خود به جای گذاشت. در نظریه سیاسی توانست بحث استیلا و واقع‌گرایی مبتنی بر شوکت سلطان را مشروعیت مذهبی بخشد و اعتقاد داشت خلافت اسلامی زمانی به اقتدار می‌رسد که سلاطینی قدرتمند داشته باشد. با این پیش‌فرض‌های کلامی، سیاسی، اجتماعی می‌توان گفت که ابن فرا قاضی، فقیه و متکلمی بسیار واقع‌گراست که آداب دیپلماتیک و تکنیک‌های عرصه سیاسی را به‌صورت حرفه‌ای می‌داند. همه خلفا و سلاطین هم‌دوره‌اش به‌خبره بودن او باور داشتند، اما ابن فرا به جز تدریس، تحقیق و قضاوت، چندان علاقه‌ای نداشت که در بحران‌های سیاسی کاملاً در مرکز قدرت باشد.

۲- روش‌شناسی و چارچوب تئوریک

روش پدیدارشناسی^۱: روش‌شناسی، شیوه جمع‌آوری اطلاعات را مشخص می‌کند و واژگان مفهومی و حتی جهت‌گیری فکری متناسب با متن را در اختیار پژوهش‌گر قرار می‌دهد. در این مقاله قصد بر این است که متن رسل‌الملوک ابن‌فرا را مورد تحلیل انتقادی قرار دهیم. بدین منظور یکی از بهترین روش‌ها پدیدارشناسی است (Drummond, 2000, pp. 69-108). این روش کیفی در مطالعات انسانی متن تحقیق را محترم می‌شمارد و دارای پیش‌فرض‌هایی است که با متن اسلامی-ایرانی خوانش و هم‌دلی فراوان دارد. برای این پژوهش به این علت که متنی را در بر گرفته است که خارج از فضای آکادمیک مدرن است، روش‌های مکانیکی (مدرن) و کوانتومی (پسامدرن) تحقیق برای تحلیل متن کارآمد نیست چرا که در صورت اتخاذ آن‌ها عقلانیت متن ابن‌فرا زیر سوال می‌رود، اما پدیدارشناسی نوعی هم‌دلی و هم‌نوایی با تحقیق است و به‌ویژه به علت تأیید بر شهود و پیش‌فرض‌های غیرمادی - یعنی احترام به علم حضوری - به سنت ما بسیار نزدیک است. پدیدارشناسی به دیده احترام و گفت‌وگو با متون سنتی، شرقی و اسلامی برخورد می‌کند و از دوگانه‌انگاری‌های مدرن و شالوده‌شکنی‌های پسامدرن به دور است. قرار گرفتن محقق در متن تحقیق، وارد کردن ارزش‌ها و هنجارهای ذهنی، توجه به سازه‌های جمعی و زبان تداومی از ویژگی‌های پدیدارشناسی است (کنوبلاخ، ۱۳۹۰، ص ۲۲۶). این روش اختیار، عقلانیت و قصدیت‌های^۲ مکانیکی مدرنیته را مورد نقد قرار می‌دهد (آرنت، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶) و چارچوب‌های سازه‌ای و ساختاری ناشی از شرایط اجتماعی یا همان تقدم هستی را بر اشکال آگاهی بار می‌نماید.

انسان پیش از آن‌که موجودی مختار و سوژه‌ای طرح‌افکن باشد، «دازاین»^۳ است که به هستی پرتاب شده است و بدون آن‌که خود تصمیم گرفته باشد در روابط قدرت زبانی و مکانی قرار دارد (هایدگر، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳). بنابراین نباید بیش از اندازه بر فلسفه و آگاهی تأکید کرد و باید بار تعهد و مسؤولیت سنگینی را که در طول تاریخ بر دوش آگاهی فلسفی، مذهبی و علمی گذاشته شده است، پایین آورد. بهترین شیوه در برخورد با مناسبات اجتماعی و حتی سیاست‌گذاری برای جامعه گوش دادن به متن، احترام گذاشتن به هویت‌ها، درک کردن و فهمیدن عمیق سازه‌های زبانی و باز گذاشتن دست عوامل محیطی جهت سامان‌دهی خودتنظیم‌گرانه و خودجوش است. پدیدارشناسی مخالف رویه‌های افلاطونی و

^۱ Phenomenology

^۲ Intention

^۳ در اندیشه هایدگر دازاین به جای انسان استفاده می‌شود.

دکارتی با روش‌های مستبدانه‌ای است که از بالا به پایین جامعه را مهندسی می‌کنند (Husserl, 1992). به لحاظ مبنایی پدیدارشناسی روشی کیفی، زبانی، تاریخی و سازه‌ای است که با رویکرد هم‌دلانه قصد فهم متن را دارد که البته با توجه به متقدم قرار دادن هستی، دارای تکنیک‌های ریز پژوهش است که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود و واژگان مفهومی آن نیز در تحقیق به کار گرفته می‌شوند.

نحوه عملیاتی شدن پدیدارشناسی در این پژوهش چنین است که در دو قسمت ویژگی کلی زبانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نخست، به زمینه فرهنگی و مذهبی زبان ابن فرا می‌پردازیم که همانند سایر متفکران دوره میانه تمدن اسلام، واژگان و تکنیک‌های دیپلماتیک را در روایت مذهبی قرار می‌دهد. مذهب سازه‌ای ذهنی و زبانی تداومی است که در رابطه‌ای تنگاتنگ با قدرت سیاسی قرار دارد و همه چیز در پرتو آن معنا پیدا می‌کند. سفارت و آداب دیپلماسی در سازه اسلامی متبلور می‌شود و پدیدار مذهبی در سراسر متن خود را نمایان می‌سازد. علاوه بر این، شرایط هستی اجتماعی در سازوگرگ‌های استبدادی و پدرسالارانه، متن را دچار نوعی ترس، عدم قطعیت و بی‌اعتمادی ساخته است که در رساله مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت نیز با توجه به تأکید پدیدارشناسی بر تکنولوژی (بیمل، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱) و تکنیک‌های قدرت (آگامبن، ۱۳۸۹، ص ۱۹) به همه تکنیک‌های سفارت به صورت مشروح می‌پردازیم. برای کاربردی ساختن تکنیک‌های دیپلماتیک وارد پدیدارشناسی قدرت سیاسی می‌شویم که نوعی عبور از هوسرل و هایدگر و وارد شدن به قلمروی مطالعات حکومت‌مندی میشل فوکو را الزامی می‌نماید.

چارچوب حکومت‌مندی^۱: حکومت‌مندی برآمده از روش پدیدارشناسی در آثار فوکو به معنای فکر کردن در باب سیاست است، شیوه‌های اعمال و محدود کردن قدرت و در نتیجه افکار و عقایدی که دارای تکنیک‌های عملیاتی جهت اثرگذاری بر واقعیت است. جهت بررسی رسل‌الملوک ابن فرا از روش پدیدارشناسی استفاده می‌کنیم، اما چارچوب تئوریک را بر مبنای حکومت‌مندی دیپلماسی اسلامی در سه دوره تاریخی قرار می‌دهیم. حکومت‌مندی نقدی بر شیوه‌های حکمرانی لیبرالی و نئولیبرالی به شمار می‌آید (Foucault: 2008 and 2011) و با استفاده از رابطه دانش و قدرت نشان می‌دهد که چگونه در هر عصری معرفت سیاسی خاص با الزامات رسانه‌ای، نظام سیاسی، فرهنگ و امنیت و به تبع آن دیپلماسی شکل می‌گیرد (دردریان، ۱۳۸۰، صص ۱۷۴-۱۷۱). دانش سیاسی منحصر در رویکرد مکانیکی و

^۱ Governmentality

بروکراتیکی (هدی، ۱۳۸۸، صص ۹۹-۱۰۶) نیست بلکه با عبور از دستگاه سوژه محور بیکن، نیوتن و هابز می‌توان صورت‌های دیگر متافیزیکی و حتی کوانتومی دانش سیاسی را تحلیل کرد.

در این مقاله دیپلماسی اسلامی در قالب حکومت‌مندی به اشکال مختلف پدیدار می‌شود. شکل «سنتی» و «متافیزیکی» قالب اصلی تحلیل رساله ابن فرا را دربرمی‌گیرد. باید در نظر داشت که حکومت‌مندی متافیزیکی به کیفیات رهبری در سیستم سیاسی پاتریمونیا (خلافت-سلطنت) می‌پردازد. در این شکل حکومت‌مندی، شاهان قدرت مطلقه دارند و نمایندگان خداوند برای برقراری امنیت و حتی سعادت بشر به‌شمار می‌آیند. دیپلماسی در واحدهای امپراطوری جریان دارد و اغلب برای رساندن نامه و هدایا و یا فرمان جنگ و صلح به رقیب بین‌المللی کاربرد دارد. سفارت‌خانه، وزارت امور خارجه، دانشکده‌ها و نهادهای روابط بین‌الملل و علوم سیاسی با گرایش‌های حقوق عمومی، سازمان‌ها و دیپلماسی بین‌الملل (فراستخواه، ۱۳۸۸، ص ۸۵) در دوره مکانیکی حکومت‌مندی شکل می‌گیرد. همین‌طور دیپلماسی عمومی و مجازی (هایم، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱) و استفاده از قدرت نرم در سامان‌دهی محیط بین‌الملل در دیپلماسی عصر اطلاعات معنی پیدا می‌کند (Nye, 2008 ; Hocking, 2005). در نتیجه، زمینه اجتماعی حکومت-مندی دیپلماسی رساله ابن فرا تنها در عصر متافیزیک معنا پیدا می‌کند و همه تکنیک‌های به کار رفته را باید در پدیدار حکومت‌مندی دوره اول قرار داد تا اهمیت پژوهش ابن فرا مشخص شود.

۳- دیپلماسی در پدیدار متافیزیکی (رسول، سفیر)

به لحاظ زبان‌شناسی اغلب واژگان ابن فرا تنها در روایت متافیزیکی قابل فهم است. پدیدارشدگی کلمات و معنایابی گزاره‌ها در کلیتی متافیزیکی صورت‌بندی می‌شود. این که سفیر کیست و چه ویژگی‌هایی دارد، از قبل تعیین شده است. در سده میانه تمدن اسلامی-ایرانی اصلی‌ترین صورت اندیشه مربوط به متافیزیک مذهبی است. در جهان‌بینی خیمه‌ای، عقل در چارچوب مذهب معنا دارد؛ چراکه جهان آفریده و خلق شده خداوندی است که سعادت و فضیلت هستی را می‌داند (رجایی، ۱۳۷۶، ص ۱۵).

خداوند به پیامبر خود پیام داده است و آخرین پیام‌رسان محمد مصطفی (ص) است. ابن فرا از همین جا شروع می‌کند و پیامبر را سفیر واقعی می‌نامد. سفارت همان رسالت رسول اکرم است و شبیه به وظیفه‌ای است که محمد (ص) از جانب خداوند بر عهده گرفت.

جدول (۱): حکومت‌مندی دیپلماسی اسلامی در سه دوره

الزامات متنی	نوع دیپلماسی	واحد سیاسی	سوژه سیاسی	رسانه	نمونه دیپلماسی اسلامی	پدیده‌های دیپلماسی اسلامی	نتیجه دیپلماسی اسلامی
دیپلماسی اسلامی پدیدار متافیزیکی	پنهان، غیر رسمی، اشرافی	امپراطوری سلطنتی	رعیت، شکاف دولت و ملت	منبر، مسجد، شفاهی، گفتگو	امویه، عباسیه	امان دادن، نامه فرستادن، هدیه دادن، ازدواج، باج، خراج، جزیه، تبلیغ، جهاد، اخلاق سفیران، دارالکفر، دارالاسلام،	اخلاقی، کیفی، اندرزی، مبانی دیپلماسی اسلامی
دیپلماسی اسلامی پدیدار فیزیکی	رسمی، شفاف، بروکراتیک	دولت ملی، جمهوری	شهروند ملی، افکار عمومی داخلی	کتبی، چاپ	صفویه، پهلوی	بروکراسی، قانون اساسی، مشروطه کردن قدرت، قوانین استخدامی وزارت امور خارجه، آداب کنسولی، اعیاد و مراسم اسلامی، ظواهر اسلامی، سفارت‌خانه‌های اسلامی	قانونی، رسمی، بروکراتیک، مکانیکی، ظواهر
دیپلماسی اسلامی پدیدار اطلاعاتی	عمومی، نرم	جهانی شدن، شهرهای جهانی	شهروند جهانی، افکار عمومی جهانی	سایبری، الکترونیکی مجازی	جمهوری اسلامی	قدرت نرم، سازه‌های تمدنی، اثرگذاری ناخودآگاه، فرهنگ اسلامی، فضای سایبری، وبلاگ و سایت‌های اسلامی، کسب وجهه، تاثیرگذاری بر افکار عمومی مسلمانان و سایر اهل کتاب	کوانتومی، اطلاعاتی، سازه‌ای، هویتی

ابن فرا با درود فرستادن بر خداوند و پیامبر رساله خود را آغاز می‌کند و می‌گوید: خداوند پیام‌هایی برای بشر فرستاد تا او عصیان نکند. سپس با استفاده از آیات قرآن دقیقاً سفارت را همان رسالت قلمداد می‌کند و می‌نویسد خداوند در قرآن می‌فرماید: رسول فرستادیم تا با تلاوت آیات نفوس را از پلیدی پاک گرداند و تعلیم حکمت و شریعت دهد (بقره: آیه ۱۵۱)؛ رسول برای مژدگانی به نیکان و ترساندن بدان فرستادیم و این رسولان بر مردمان حجت خداوند هستند (نساء: آیه ۱۶۵)؛ ای اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق دین را بیان کند، او برای بیم و عقاب آمده است تا نگوید که خداوند برای ما هدایت‌گری نفرستاده است (مائده: آیه ۱۹)؛ ای پیامبر تو را فرستادیم که مردم را به بهشت مژده دهی و از عذاب جهنم

بترسانی و تو مسؤول کافرانی که به جهنم می‌روند، نیستی (بقره: آیه ۱۱۹)؛ ما تو را فرستادیم برای رحمت اهل عالم (انبیاء: آیه ۱۰۷). رسول در میان هر قوم با زبان همان‌ها سخن می‌گوید (ابراهیم: آیه ۴)؛ رسول شاهد اعمال شماست؛ بر فرعون، رسول فرستادیم اما او نافرمانی کرد و به قهر خداوند گرفتار شد (مزمّل: آیه ۱۶-۱۵)؛ با رسول و پروردگارش مخالفت کردند و عذاب خداوند بر آنها فرود آمد (الحاقه: آیه ۱۰)؛ ای رسول تو را فرستادیم تا بر بد و نیک گواه باشی، خوبان را مژده دهی و بدان را بترسانی، دعوت کنی و چراغی برای عالم باشی (احزاب: آیه ۴۵-۴۶).

یکی از اصلی‌ترین منابع آیین سفارت در رساله ابن فرا قرآن و زندگی پیامبر (ص) است، این که حقیقت محض تنها از آن خداوند است و اوست که می‌داند ابتدا و انتهای هستی چیست، برخی از اسرار هستی را از طریق وحی و شخص رسول برای بشر فرستاده است. سفارت نیز که برای سامان‌دهی روابط کشور اسلامی با سایر کشورها تدارک دیده شده است دارای الگویی است. سفارت دقیقاً در متافیزیک مذهبی قابل فهم است و سفیر باید با الگو گرفتن از پیامبر (ص) تکنیک‌های او را پیاده سازد و معانی وحی را برای بشر بفرستد. سفیر همان رسول است و باید شارح معانی اسلام و هدایت بشر به مجموعه آیین مسلمانی باشد تا کلام حق در سراسر عالم پخش شود. پیامبر (ص) دارای زندگی سیاسی نیز بوده است و به پادشاهان، طوایف و قبیله‌های مختلف نامه نوشت و کلام خداوند را به زبان آن‌ها برایشان ارسال نمود. بسیاری از سران طوایف و پادشاهان کشورهای مختلف نامه‌های پیامبر را گرفتند و حتی برخی تابع و خراج‌گزار گردیدند. پیامبر (ص) توانست اسلام را بر روابط قبیله‌ای در عربستان برتری دهد و دولت بزرگ اسلامی را ایجاد نماید که دو امپراطوری ایران و روم را به حاشیه بکشاند. ابن فرا می‌گوید: پیامبر (ص) جهت هدایت قوم پارس به خسرو پرویز نامه نوشت، اما پادشاه ایران از سر غرور و تعصب نامه پیامبر را پاره کرد، پیامبر نیز دعا کرد که خداوند قوم پارس را از هم بگسلد و بعد از این دعا اهل فارس دیگر رستگاری را ندیدند (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۳۴). ابن فرا در ابتدای رساله جهت مشخص شدن فن سفارت آن‌را در متافیزیک مذهبی قرار می‌دهد و با آیات قرآن می‌گوید: سفیر باید کلام خداوند را به بشریت برساند که نوعی ترساندن و بشارت دادن است. این که فرستاده چه کسی است، چه ویژگی‌ها و وظایفی دارد، در قرآن و سیره پیامبر آمده است، رسولی از جنس خود شما فرستادیم (توبه: آیه ۱۲۸). خداوند هیچ قومی را عذاب نمی‌کند مگر این که پیام خداوند را بشنوند و بعد از آن کافر شوند. سفیران باید راه رستگاری بشر را به سراسر گیتی برسانند و این گونه بر عهده سفیران اسلامی نوعی تعهد و مسؤولیت قرار دارد. رسولان باید

عذاب بکشند، با راست‌گویی و شکیبایی آزار کافران و تکذیب منکران را تحمل کنند (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۲۶).

بنابراین به لحاظ پدیدارشناسی روایت تکنیک‌های حکومت‌مندی دیپلماتیک ابن فرا در روایت متافیزیک مذهبی قرار دارد، به این معنا که سازه جمعی و مفروضات بدیهی ابن فرا با توجه به زندگی او در خلافت عباسیان بر مبانی اسلامی، قرآن و سنت پیامبر(ص) قرار دارد. سفارت همان رسالت و سفیر همان رسول است. مشروعیت حکومت به دعوت بشریت به صلح و کلام خداوند است که سفیران در این جایگاه وظیفه مهمی دارند. البته ابن فرا در زمان رسیدن به راه کارهای عملی و دست‌یابی به موفقیت و اثرگذاری بر واقعیت به تکنیک‌های ایران‌شهری روی می‌آورد.

۴-زمینه سیاسی استبدادی

همان‌طور که سازه‌های جمعی، هویت و جهان زیست‌گزاره‌های ابن فرا در روایت متافیزیکی پدیدار می‌شود، به لحاظ ساختاری فهم زمینه تکنیک‌های دیپلماتیک ابن فرا را باید با واژه استبداد تحلیل کرد. استبداد ایجادکننده فرهنگ ترس، ریاکاری و نابودی منابع انسانی و خلاقیت است (آرنت، ۱۳۸۹، صص ۴۲-۳۷)؛ چراکه همه منابع قدرت در جامعه را به یک فرد می‌سپارد. نوسان‌های زیستی قبیله‌ای و یک‌جانشینی شهری و روستایی در ایران و جهان اسلام نتوانست روالی را شکل دهد که نظام سیاسی دارای سیستمی کارآمد باشد. استبداد شفافیت و پاسخ‌گویی نظام سیاسی را از بین می‌برد و شهروندان را تبدیل به رعیتی ذره‌ای و ترسو می‌نماید که بر جان، مال، ناموس و قانون حاکم بر جامعه اختیاری ندارد؛ چراکه همه اختیارات خود را واگذار کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۶۰). بدون شناخت نظام سیاسی استبدادی در ایران و جهان اسلام طی سده میانه فهم اندیشه‌های سیاسی آن امکان‌پذیر نیست (فیرحی، ۱۳۸۹، ص ۹). تنها فضاها به وجود آمده جهت فرار و رام کردن قدرت در طبقه دبیران، وزیران، روحانیون و شاهان متمدنی پیش می‌آمد که عصیت قبیله‌ای سلسله‌شان را به اوج قدرت رسانده بود و در نتیجه روان‌سازی امور، رواداری و احترام به فضل و دانش در پرتو ادب حکمرانی به وجود می‌آمد.

ساختار تکنیک‌های دیپلماتیک ابن فرا زمینه‌ای استبدادی دارد. فرهنگ استبدادی در واژگان، گزاره‌ها و احکامی که ابن فرا برای آداب سفارت نام می‌برد وجود دارد. سفارت همانند میدان جنگ است و کسی به این عرصه خطرناک وارد می‌شود که بیم از دست دادن جان ندارد. اغلب حکایت‌های ابن فرا از سفیرانی که اندکی اشتباه کرده‌اند نشان‌گر آن است که زبان‌شان از حلق بیرون کشیده و یا گردن‌شان زده شده است. «عبدالملک مروان پیامی درشت نزد حجاج بن یوسف فرستاد. وقتی سفیر برگشت مروان از او

پرسید آیا عین‌خبر را رساندی. اگر آن‌را نرساندی گردنت را بزخم» (ابن‌فرا، ۱۳۶۳، ص ۲۲). ابن‌فرا همچنین داستان سفیری را می‌گوید که به علت رساندن پیام نادرست زبان‌اش از قفا کشیده شد (ابن‌فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۵). سفیران هیچ‌گاه امنیت جانی ندارند و همیشه در ترس زندگی می‌کنند. هنوز سفارت‌خانه و حقوق و سازمان‌های بین‌الملل نبودند که حرمت سفیر پاس داشته شود، تا آن‌جا که ابن‌فرا از سفیران حمایت می‌کند و می‌گوید: رفتار پادشاهان استحکامی ندارد و هر لحظه به رنگی است. بنابراین، هر پیامی که شفاهی دادند آن‌را کتبی بنویس و بگو امضا کنند تا در صورت دوست شدن دو پادشاه تو قربانی سیاست‌های متغیرشان نگردی (ابن‌فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۸).

استبداد بی‌اعتمادی خلق می‌کند تا جایی که پادشاهان به سفیران و سفیران به پادشاهان اعتماد ندارند و ابن‌فرا از زبان هر دو جماعت می‌نویسد و راه‌کارهایی نشان می‌دهد که امر عمومی در عرصه روابط خارجی استوار بماند. ابن‌فرا به پادشاه توصیه می‌کند: سفیران زیادی نداشته باش؛ چراکه احتمال توطئه آن‌ها علیه تو وجود دارد، چون سفیر همیشه با دشمن برخورد دارد. تعدادشان را کم کن و همه اسرار را به آن‌ها نگو. برای‌شان مراقب و جاسوس بگذار و مدام جای‌شان را تغییر ده. برای فرستادن خبر اغلب از دو سفیر استفاده کن که با یکدیگر خوب نباشند و تا حد ممکن هم را نشانند (ابن‌فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۳). سفیران هر چه کم اطلاع‌تر باشند بهتر است تا از حدود و اسرار عبور نکنند و با دشمنان پیمان نبندند. سفیران بر اثر این‌گونه نگرسته شدن همیشه ترس داشتند؛ چراکه جان‌شان در داخل و خارج توسط دوست و دشمن در خطر بود.

پادشاه قدرت مطلقه و سایه خداوند بود، سفیران اختیارات زیادی نداشتند و چون آئینه، تنها پیام را می‌رساندند. اغلب نیز باید با شهود خود، کشف می‌کردند که چگونه پیام را برسانند که قهر، آشتی، ناسزا و هدیه پادشاه متنوع مزاج را منتقل کنند و مورد بی‌مهری از دو سو واقع نشوند؛ چراکه کشیدن زبان سفر امری عادی بود. پادشاهان اغلب به علت قدرت مطلقه و ترس اطرافیان و جاه‌طلبی‌شان جهت ترفیع، کور می‌شدند. قدرت مطلقه نمی‌گذاشت آن‌ها اطراف را ببینند و سفرای خارجی گاهی حقایق را به پادشاه می‌گفتند مثلاً سفیر روم به منصور گفت: چرا مردم اطرافت را گرفته‌اند؟ کاخ بزرگ، درختان و سبزه‌های باطراوت، جوی آب نداری. منصور ابتدا مقاومت کرد و گفت ما چون پادشاهان کافر روم نیستیم. اما بعداً دستور داد که مردم را پراکنده کرده و شکوه آب، سبزه و تجمل را به کاخش آوردند. البته ابن‌فرا می‌گوید: سفیر را هر گاه ندا دادند که از پادشاه و سرزمین خود بگو باید اعلام کند که هیچ‌کس برای آبادانی کشور و سرپرستی رعایا بهتر از شهریارم نیست (ابن‌فرا، ۱۳۶۳، ص ۵۱).

زمانی که قصه‌ها، حکایت‌ها و نامه‌های مربوط به سفارت در رسالهٔ ابن فرا مورد تحلیل پدیداری قرار می‌گیرند، مشخص می‌شود که متن برآمده از دنیایی بسیار خشن، ترسناک و استبدادی است. دنیایی که برای واقعیت سفارت، عواقبی چون قتل، سوزاندن، غارت، خراج، فریب، غدر، توطئه، عهدشکنی، هجوم، جنگ و ... تدارک دیده شده است. پادشاهانی حسود و کینه‌توز که همیشه توهم توطئه دارند و سفیر باید در این فضا فعالیت کند. پادشاهان همیشه به سفیران به چشم حسادت و توطئه می‌نگرند (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۶۴). پیام‌های پادشاهان نیز بسیار بی‌ادبانه و دور از انسانیت است. متن نامه‌هایی که سفیران منتقل می‌کنند سرشار از خشم، نفرت و توهین و تحقیر است، مثلاً از هشام پسر عبدالملک شهریار مؤمنان به امپراطور گردن‌کش و متکبر روم (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۶۰)؛ از امپراطور روم به پادشاه مذموم، لوچ و شوم؛ از هارون‌الرشید به پادشاه روم: ای زنازاده نامه تو را خواندم، پاسخش آن است که می‌بینی، بی‌آن‌که بشنوی (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۶۱). یا در نامه‌ای که سفیر می‌برد، نوشته شده است: مادرت را به عزایت می‌نشانم، چه پنداشتی. خراج‌گزارت می‌کنم، کافر گمراه، به زودی خواهی دانست که خانهٔ آخرت از آن کیست؟ (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۶۲)

بنابراین ساختاری که تکنیک‌های دیپلماتیک ابن فرا در آن سامان‌دهی می‌شود به‌شدت استبدادی است. شاه قدرت مطلقه دارد، سفیران هیچ اختیاری ندارند، پادشاه متوهم است و رفتارشان قابل پیش‌بینی نیست، سفیران امنیت جانی ندارند و در متنی فعالیت می‌کنند که اغلب پیام‌های بسیار بی‌ادبانه و خشونت‌آمیز جنگی را منتقل می‌کنند.

۵-گزینش و استخدام سفیر

در دورهٔ مدرن با تشکیل وزارت امور خارجه، سفارت‌خانه‌ها، مدارس علوم سیاسی و دانشکده‌های روابط بین‌الملل و آداب دیپلماتیک، امر آموزش و استخدام نیروی انسانی فرمولی قاعده‌مند و منظم پیدا کرد (Berridge, 2002, p. 5). اما، در دورهٔ میانهٔ تمدن اسلامی ایرانی چنین امکاناتی نبود. ابن فرا در رساله خود به این موضوع پرداخته است که پادشاه برای انتخاب سفیر چه باید انجام دهد. اغلب گزاره‌هایی که ابن فرا آورده است کیفی و شعاری هستند و معیاری برای تبدیل شدن آن‌ها به سیستم جهت استخراج روالی استاندارد و کارآمد وجود ندارد. هوش‌مندی ابن فرا آن‌قدر بالاست که همهٔ شیوه‌های رایجی را که تا آن زمان وجود داشته، فهرست کرده و برخی از آن‌ها مثل زبان، قبیله، تأهل و آزمایش را ارتقا داده است.

صفات ظاهری نخستین موضوع است که قابل سنجش است، البته بسیاری از صفات ظاهری به ارث می‌رسد و قابل کسب شدن نیست. سفیر به نظر ابن فرا باید، ظاهری آراسته داشته باشد، خوش پوش، چهرهٔ

زیبا، خوش قامت و تندرست، از جمله صفاتی است که او برای سفیر نام می‌برد (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۳۹). بعد از ظاهر نیک، سفیر باید اخلاق نیکویی داشته باشد. اخلاق خوش به معنای آرام و صبور بودن و سیرت خوش است. راستی کلام و امانت‌داری از الزامات سفارت است به نحوی که سفیر باید خوش نیت، نیک سرشت، بی‌طمع و محرم اسرار باشد. ابن فرا اعتقاد دارد دیانت و مذهب جز اساسی الزامات سفیر شدن است. سفیر باید دین‌دار باشد و دین‌دار بودن او باعث می‌شود ضمانتی برای سلوک اخلاقی‌اش پدید آید. خداترس بودن، اعتقاد به پیامبر و کلام الهی و باور به معاد باعث می‌شود که سفیر پادشاه را نماینده خداوند بداند و در کارهای بر عهده گرفته، دنیا را مورد توجه قرار ندهد و فریب آن‌را نخورد. ابن فرا متأهل بودن را نیز ضروری می‌داند؛ چراکه زن و بچه و خانواده سفیر به صورت گروگان‌هایی هستند که در زمان مأموریت سفیر، ضمانت اجرای امانت‌داری و خیانت نکردن سفیر به‌شمار می‌آیند. سفیری که به خانواده‌اش دل‌بسته باشد، بر پادشاه خود جرمی مرتکب نمی‌شود. از سوی دیگر، زبان نقش اساسی در ایفای نقش سفارت دارد. سفیر باید بیانی فصیح داشته باشد و زبانش قابل فهم باشد. گفتار او راست باشد و واقعیت‌ها را به بهترین شکل انعکاس دهد. سفیر باید به هر محلی که فرستاده می‌شود با زبان آن‌ها آشنا باشد. زبان‌دانی به معنای احترام به آداب و عقاید و از سوی دیگر سخن گفتن به زبان آن‌ها است (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۵).

ابن فرا دو تکنیک انتسابی و اکتسابی را جهت استخدام سفیر پیشنهاد می‌کند؛ تکنیک اول، انتسابی است: داشتن قبیله و طایفه معروف. براساس نگرش واقع‌گرایی که ریشه در ایران باستان دارد، ابن فرا داشتن اصل و نسب را از الزامات سفارت می‌داند؛ چراکه فرستادن فردی ناشناس که قبیله و نسب معروفی ندارد موجب بازنمایی بی‌احترامی می‌شود و خانواده، اجداد و قبیله در نبود نهادهای آموزشی بهترین مکان انتقال آگاهی و تجربه هستند. تکنیک دوم، اکتسابی است و به آزمایش و امتحان باز می‌گردد. برای انتخاب سفیر ابن فرا پیشنهاد می‌کند که باید فرد متقاضی را آزمود، تا کارآمدی، امانت‌داری و محرم اسرار بودنش مورد سنجش قرار گیرد. بر اساس آموزه‌های خدای‌نامه و اندرزهای ایران باستان می‌بایست ابتدا به نامزد سفارت، مأموریت داخلی داد و کارکرد او را توسط بازرسان و جاسوسان به‌دقت بررسی کرد (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۱).

۶- آیین‌های بودن سفیر

«زمانی که شهریار تو را فرستاد، بر مضمون چیزی میفزای، خیراندیش باش و انحراف مجوی، سرت را از لغزش زبانت ایمن دار» (ابن فرا، ۱۳۶۳)

جدول (۲): معیارهای گزینش سفیر

ظاهر	اخلاق	دیانت	زبان	قبیله	آزمایش
تنومند، خوش قامت، خوش سیما، ظاهر آراسته	بی طمع، محرم اسرار، امانت‌دار، راست‌گو، افضل	خداترس، متأهل، کم شمردن دنیا، اهل آخرت	زبان آور، دانستن چند زبان، صحبت به زبانی که آن‌جا فرستاده می‌شود	خاندان نیکو، اشراف، باصالت، باشرف و نصب	فرستاده شدن به مأموریت داخلی، گماشتن بازپرس و جاسوس

بعد از استخدام نوبت به فرآیند آموزشی می‌رسد. سفیری خوش سیما، با تناسب اندام، باهوش، زبان‌دان، باتقوا پس از آزمایش درون کشوری انتخاب می‌شود. سفیر پایه مملکت و نگهبان کشور است. پادشاه باید در هر حالی مراقب سفیران باشد، بر آن‌ها جاسوس بگمارد و همه رفتارهای آنان را با پاداش و مجازات جواب دهد (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۶). البته اغلب صفات کیفی که ابن فرا برای سفیران نام می‌برد مبتنی بر ارث بردن و فرآیندهای انتسابی از اجدادشان است. سفیری که از قبیله خوب انتخاب شده باشد و طایفه او معروف و خوش نام باشند اغلب صفات پاک‌دامنی، حاضر جوابی، تیزهوشی و صبر را به همراه دارد. قبیله، اشرافیت و خون و نژاد صفات زیادی را به صورت کیفی و تداومی به نسل‌ها منتقل می‌کنند. بنابراین پادشاه علاوه بر توجه به قبیله و آزمایش گرفتن باید سفیرانی متأهل، متعهد، صبور و بادرک و شعور انتخاب نماید. سفیران خوش ظاهری که دل در مال دنیا ندارند، با تجربه و خوش بیان‌اند، رفتارهای کودکانه از خود بروز نمی‌دهند و امانت‌دارانی وفادار هستند (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۶). همه تأکید ابن فرا بر سفیر به این خاطر است که او سفیران را مانند «آئینه» می‌داند. آئینه بودن سفیر در یک معنا یعنی، سفیران تنها پیام‌رسان و کارگزار حکومتی نیستند. سفیران ادامه چشم، گوش، دست و زبان پادشاه‌اند. هر سفیر چون آئینه‌ای بازتاب پادشاه و کشور خود است. سفیر چشم و عقل پادشاه است (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۷۱). سفیر قسمتی از اندیشه پادشاه است و عقل و حکمت فرستاده‌اش را نمایندگی می‌کند.

آئینه‌ای بودن سفیر در معنای دوم نوعی آموزش فنون سیاست در استبداد سیاسی ایران است. پادشاهان قرون میانه اسلام که قدرت مطلقه داشتند، از سفیران که به گونه‌ای دست، زبان و هوش و گوش پادشاه بودند می‌خواستند که همانند آئینه باشند و همه پیام‌ها را بدون دخل و تصرف به طرف مقابل تحویل دهند. ابن فرا نیز می‌گوید: نامه و گزاره‌های پادشاه محدود است و این هنر سفارت است که معانی حقیقی را منعکس کند. سفیر باید دقیقاً پیام را بادقت، وفاداری و بدون تحریف تحویل دهد. بدترین سفیر کسی است که فرستنده‌اش او را برگرداند یا به علت دادن اطلاعات اشتباه فراخوانده شود

(ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۲۸). سفیر در ساختار استبدادی چاره‌ای جز سکوت ندارد و تبدیل به مهره‌ای می‌شود که ابزار خواسته‌های حکومت است و مجری‌ای است که همهٔ مبانی خود را باید فراموش کند. سفیران مثل آئینه تنها گزاره‌های شاه را منتقل می‌کنند و هیچ اختیاری ندارند. سفیر حق کار خودسرانه، توصیهٔ اقوام و فرزندان و دادن نظر کارشناسی ندارد بلکه باید بدون شک با روحیه‌ای استوار کار خود را دنبال کند.

ترس از استبداد آنقدر زیاد است که حتی در رفتارهای آئینه‌ای بدون خلاقیت نیز، سفیر امنیت جانی ندارد. ابن فرا می‌گوید هر دستوری که پادشاه داد، بگو نوشته‌ای که تو از حرف‌هایش برداشتی را مهر کند و بنویسد این نامه من است (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۸). اگر ذره‌ای سفیر در خدماتش کوتاهی کند، انحراف بجوید، دروغ بگوید، آبروی کشور را خواهد برد و جزای چنین سفیری به عقیده ابن فرا کشیدن زبان است. سفیر باید یک‌دل، بدون شک و لغزش زبان باشد و بزرگ‌ترین وظیفه‌اش رساندن پیام همانند بازنمایی آئینه‌ای است که مطابق واقعیت است.

۲-سازهای بودن سفیر

«اگر از سفیر در مورد پادشاه و سرزمین و سیاست کشورش پرسیدند باید تصویری باشکوه از پادشاه و کشوری آباد را بازنمایی کند. همیشه تصویر خوبی از پادشاه رسم کن. بهترین‌ها را بگو (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۹). باید بگویی «مستمری من خیلی زیاد است، من از پادشاهی والا مقام پیام آورده‌ام. پادشاهی داریم عادل و زیرک، کشورمان آباد است، بی‌کاری وجود ندارد، همهٔ رعیت خدمت گزارند، رزم و بزم به جای همیشه پابرجاست، اهل علم عزیز هستند و همه از زندگی‌شان راضی‌اند» (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۵۰).

بر اساس رویکرد پدیدارشناسی، واقعیت‌ها در ذهنیت انسان‌ها بازنمایی می‌شوند. هیچ واقعیت محضی به صورت یکسان بر انسان‌ها پدیدار نمی‌شود و زندگی که عرصهٔ مبارزه و دیالکتیک میان تصاویر بازنمایی شده است، مشخص می‌کند کدام دال‌ها و نمادها توانایی هژمونیک شدن را دارا هستند (فروید، ۱۳۹۰، ص ۲۵-۱۸). سیاست‌مدار و متفکر سیاسی باید توجه خاصی به تصاویر و شیوه‌های بازنمایی داشته باشد؛ چراکه تکیه کردن بیش از اندازه بر واقعیت و ساختار مادی و رها کردن ذهنیت و سازهای جمعی می‌تواند موفقیت‌آمیزترین برنامه را با شکست روبه‌رو کند (Stedman Jones, 2009, pp.37-42). گاهی یک سیاست‌مدار حتی اگر همهٔ نبردها را برده باشد، اما به این علت که به بازنمایی و تصاویر ذهنی اهمیت نداده است جنگ را واگذار می‌کند. ابن فرا در رسالهٔ خود زمانی که ویژگی‌های سفیر را عنوان کرد که باید فردی کاردان، اهل گفت‌وگو، عاقبت‌اندیش و زیرک باشد، وظیفه می‌داند که به تصاویر ذهنی و صورت‌های معانی که از کارهای سفیر برمی‌خیزد توجه ویژه

داشته باشد. زمانی که پادشاه آزمایش‌های لازم را انجام داد و سفیری مطمئن و محرم اسرار را گزینش کرد که به صورت کامل و بدون انحراف پیام‌ها را منتقل می‌کند، باید در امر آموزش سفیر نیز توجه کند. سازه‌ای بودن سفیر به معنای این است که سفیران باید به تصاویر و سازه ذهنی عمومی‌ای که از رفتارها، اندیشه‌ها و سخنان‌شان ایجاد می‌شود توجه داشته باشند. ابن فرا می‌گوید: «هیچ‌گاه نامه را به تنهایی ارسال نکن و همیشه با نامه فرستنده‌ای قرار بده که زبان‌گویای تو باشد. نامه به تنهایی حرفی ندارد و باید آن‌را با کسی بفرستی که منظور تو را منتقل کند. اگر نامه را به تنهایی بفرستی مختارند که جواب ندهند، اما اگر نامه را با سفیر ارسال نمایی مجبور به پاسخ‌گویی می‌شوند. نامه چون دست تو و سفیر چون زبان تو است. سفیری زیرک و چاره‌اندیش بفرست که اهل گفت‌وگو، صلح و سازش باشد» (ابن فرا، ۱۳۶۳).

برای این که سفیر تصویر خوبی از خود ترسیم کند باید ظاهر آراسته‌ای داشته باشد. تمام شاخص‌هایی که برای گزینش سفیر ذکر شده، به گونه‌ای در ترسیم تصویری مناسب نقش اساسی دارند. سفیری بلند قامت، خوش سیما، شیرین زبان، از خانواده‌ای اشرافی و نیک نام که هر کجا می‌رود او را ستایش کنند و نشان‌دهنده شکوه سرزمینش است (ابن فرا، ۱۳۶۳، صص ۲۹-۲۶). سفیر نباید در چشم سبک آید چرا که عقل فرستنده به حساب می‌آید. سفیر علاوه بر خوش پوشی و ظاهر آراسته باید آداب و تشریفات را رعایت کند و در آوردن و انتقال هدیه، نامه و گفتار دقت کند. هر ویژگی مثبت و منفی سفیر نشانه فرستنده او محسوب می‌شود و عیب سفیر، عیب پادشاه است و کامل بودنش نشانه کمال فرستنده‌اش و همه احساسات از خشم، امانت‌داری و خیانت سفیر نیز بر همین اساس تحلیل می‌گردد.

ابن فرا می‌گوید سفیر همیشه باید در ذهن خود برتری و پیروزی را در مأموریت ترسیم کند. مهم است که آن‌قدر سفیر به خود تلقین کند که باورش شود در میدان اعتماد به نفس دارد و تسلیم نمی‌شود. سفیر برای نیل به پیروزی، پیروزی را برای خود تلقین کند و احساس موفقیت را در دل پیروراند، با کمال قدرت رفتار کند و از همان آغاز بدبینی را کنار بگذارد. این چنین سازه‌های ذهنی سفیر محکم می‌شود و اعتماد به نفس پیدا می‌کند (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۳۷). از سوی دیگر، اگر سفیر به کشوری فرستاده شد باید محکم، قدرت‌مند و با اعتماد به نفس برخورد کند به گونه‌ای که در برابر ابزارهای جنگی، ارتش و مانورهای قدرت کشور میزبان خود را نبازد. سازوبرگ و تعداد نیروها و تهدید دشمن نباید سفیر را مبهوت صحنه‌آرایی خود کنند. سفیر باید در برابر سازوبرگ نظامی و ارتش دشمن خود را بی‌اعتنا نشان داده و ساکت و باوقار از کنار آن‌ها عبور کند (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۳۲).

۸- دیپلماسی و گفت‌وگو

دیپلماسی در گذشته با آنچه امروز در جریان است کاملاً متفاوت بوده است. نبود نهادهای بروکراتیک وزارت امور خارجه، نداشتن مصونیت دیپلماتیک و نبود رویه‌هایی که سازمان‌ها و حقوق بین‌الملل ایجاد کننده آن باشند، دیپلماسی را تبدیل به دفتر تشریفات خلیفه و به‌ویژه سلاطین ساخته بود، پادشاهانی که با عصیت و بدون منطق به دنبال افزایش قلمروی سرزمینی بودند و با گرفتن مالیات و سرباز از رعیت به جنگ با رقبای خویش می‌رفتند. مرزهای ملی وجود نداشت و قبایل همیشه بر مردمان یکجانشین غلبه می‌کردند و امنیت و شکوفایی روستاها و شهرها را به ناپودی می‌کشیدند. در این فضای استبدادی و غیرقابل پیش‌بینی سفر اغلب از خانواده‌های درباری، اشرافی، کارگزاران حکومتی بودند که در حکم پیک جنگی و خبررسان سلطان انجام وظیفه می‌کردند.

دیپلماسی به معنای فنّ و هنری است که توانایی برقراری صلح را دارد (Berridge, 2002, pp. 5-23). سفیران انسان‌های باهوش، زیرک، صبور، باتجربه و سخن‌وری هستند که می‌توانند بدترین وضعیت‌ها را تبدیل به شرایط دوستی قابل مذاکره کنند. دیپلماسی فنّ و هنر مذاکره در بدترین شرایط و دادن و گرفتن امتیازات مختلف است (فیشر، ۱۳۷۰، ص ۸۹). ابن فرا در شرایطی اندرزه‌های خود را به قصد تنظیم روابط دیپلماتیک می‌نویسد که زمینه اجتماعی و سیاسی اندرزه‌هایش دو کلمه جنگ و استبداد را بدیهی انگاشته است. استبداد مانع بروز خلاقیت است و ذهنیت سفیر توانایی خلق راه‌کارهای رسیدن به صلح را ندارد؛ چراکه همه چیز از قبل در بدترین مسیر خود که ناپودی جان رعیت است، طرح ریزی شده است. از سوی دیگر جنگ که آخرین راه حل و حتی شکست دیپلماسی محسوب می‌شود (Berridge, 2001)، در روزگار ابن فرا بدیهی‌ترین و نخستین گزینه به حساب می‌آمد. اما ابن فرا در رساله خود سفران را به صبر، نرم‌خویی، توجه به مذاکره و دیپلماسی فرا خوانده است.

یکی از ویژگی‌های سیاست‌مدار و به‌ویژه سفیر صبر و داشتن تحمل بالا است (دبیری، ۱۳۶۹، صص ۲۲-۱۲). در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی جنگی و استبدادی، صبر و سکوت لازمه سفارت بوده است. ابن فرا می‌نویسد: سفیر باید خویشتن‌دار و خوش‌منش باشد و ترش‌رویی و خشمگینی را از خود دور کند. سفیری که نرم رفتار و نیک‌خو باشد در سفارت کامیاب می‌شود، رام کردن رقیب و به‌دست آوردن دل او از طریق مدارا امکان‌پذیر است. به‌ویژه زمانی که در میان دو پادشاه جنگ باشد، سفیر باید مراقب باشد و با خویشتن‌داری پیام‌ها را منتقل کند (ابن فرا، ۱۳۶۳، صص ۴۶-۴۷). برای این که جان سفیر در رفت‌وآمدهای جنگی در امان باشد باید صداقت و رعایت خیراندیشی را مدّ نظر داشته باشد. بر سفیر واجب است که مفاهیم و مطالب خشن را در الفاظ نرم و ملایم بپوشاند، و به همان ادبی که خداوند

پیامبران خود را توصیه کرده است، آراسته باشند. خداوند در آیه ۴۴ سوره طه می‌فرماید: سخن نرم با آنها بگوئید، شاید متوجه شوند و یا پروا نمایند. قرآن کریم داستان‌های زیادی در مورد گفتار نرم و شیوه‌های ارتباط روادارانه و مؤدبانه در مورد پیامبران بزرگ دارد (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۳۰). برای جلوگیری از جنگ و بدتر شدن اوضاع سفیر باید فحاشی‌ها و بی‌ادبی پادشاهان عصبی و بی‌فرهنگ را با شیوه‌های مسالمت‌جویانه و آرام منتقل کند تا جلوی فجایع بزرگ را بگیرد. رأی صواب سفیر اغلب باعث سربلندی رعیت، کشور و نظام سیاسی می‌شود، بنابراین ابن فرا اعتقاد دارد سفیر باید در پیام‌ها تا جایی که به تحریف و دروغ متهم نشود دخل و تصرف نماید و با مهارت‌های زبانی، بادب، نرم و روادار به برقراری ارتباط همت گمارد و همیشه مقدمات الفت را فراهم نماید (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۲۶).

۹- تکنیک‌های واقع‌گرایانه دیپلماتیک

ابن فرا در انتهای رساله، واقع‌گرا می‌شود و شیوه‌های عملی و تکنیک‌های اجرایی در قالب آداب تشریفات را بازگو می‌کند که لازمه رفتار دیپلمات است. این قسمت از گزاره‌های ابن فرا بسیار تکنیکی و عملیاتی بوده و درصدد اثرگذاری بر واقعیت است، به نحوی که ابن فرا اصول قدرت را به رسمیت می‌شناسد و مصلحت‌اندیشی‌های فراوانی را با استناد به آداب دیپلماتیک در ایران باستان ترسیم می‌کند (روزنتال، ۱۳۸۷، صص ۶۰-۵۷).

هر چند که تأکید اصلی ابن فرا در آیین سفارت، نرم‌خویی و گفتار مسالمت‌جویانه است اما می‌گوید: چه بسا برای ادای سفارت سفیر راهی جز اعمال خشونت نداشته باشد. برخی مواقع سفیر باید جسور و شجاع باشد تا مطلب را منتقل کند و اگر آداب حرب و شجاعت را نداند در امر سفارت خلل ایجاد می‌گردد و مقاصد آنرا تباہ می‌سازد. نرمی و درشتی باید به هم باشد، سفیر باید توانایی داشته باشد که نرم شروع کند و درشت به پایان برساند و برعکس. سفیر باید سخنان مردانه بگوید و عاجزانه وضعیت را توصیف نکند (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۳۱).

سفیر به‌مثابه بازیگری تواناست که در هر لحظه باید بتواند حق را باطل و باطل را حق، راست را دروغ و دروغ را راست جلوه دهد. فن مذاکره به استدلال، چاره‌اندیشی و نیرنگ زیادی نیاز دارد. سفیر از گذرگاه‌های زیادی عبور می‌کند و باید بتواند آنچه را از هم گسست دارد به هم ببیوندد و برعکس (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۲۹ و ۳۴). بازنمایی برای سفیر بسیار اهمیت دارد. ابن فرا می‌گوید: اگر از تو در مورد کشور، حکومت، سلطنت و پادشاه پرسیدند بگو، خیر و احسانش شامل همه می‌شود، تیغش بی‌نیام و دل‌ها با عشق متوجه اوست. سپاه نمی‌آزارد، رعیت را سختی نمی‌دهد، جرم بخش و کریم است به رعیت، و درشت‌خو و سخت‌گیر به ظالمان. بیم و امید بسته به دست‌های اوست، ستم نمی‌کند، حق را به صاحب حق

می‌رساند، مردم او را دوست دارند، شه‌ریار توانا و خویش‌تنداری داریم که مجرمان را مجازات می‌کند، مردم به او اعتماد دارند؛ چراکه عادل است (ابن‌فرا، ۱۳۶۳). به این شکل سفیر همیشه باید حتی با کلیشه تصویر مناسبی از حکومت، پادشاه و سرزمینش ترسیم کند تا دشمن در او و کشورش طمع نکند. سفیر علاوه بر این که باید ظاهری مناسب داشته باشد رعایت آداب و رسوم تشریفات نیز ضروری است.

سفیر باید هر چه به او به عنوان هدیه دادند بپذیرد، هر چند اندک باشد یا مطابق میل او نباشد. پذیرش هدیه و نشان دادن احساسات موجب دوستی می‌شود و عدم قبول آن باعث کدورت و دل‌گیری می‌گردد (ابن‌فرا، ۱۳۶۳). سفیر در هر حالی که به مأموریت فرستاده شد باید در مقابل پادشاه میزبان ادب را رعایت کند حتی اگر میزبان هم‌رتبه او نباشد؛ چراکه در هر حال فروتنی لازمه سفارت است. ایرانیان در آداب دیپلماتیک خود بسیار خبره بوده‌اند. به برخی از اصول آن‌ها که برای موفقیت سفیر الزامی بوده، در زیر اشاره می‌شود. سفیران باید آداب محلی و تشریفات بومی هر سیستم سیاسی و قلمرو حکومتی را بدانند تا رفتارها و پیام‌ها را بر آن‌ها منطبق کنند، مثلاً برخی کشورها مثل ایرانیان به روز خوب و بد اعتقاد دارند. هیچ‌گاه کور یا ناقص‌العضو را به سفارت نفرستید، سفیر هیچ‌گاه با دست اشاره نکند، سر خاراندن نشانه بی‌ادبی است، هر گاه به نشستن یا غذا خوردن دعوت شدید، سریع قبول نکنید، زیاد حرف نزنید، تعارف را همیشه رعایت کنید، زیاد به اطراف و به‌ویژه به افراد خیره نشوید، بدگویی شاه نکنید، آب جو نخورید، از داخل دربار و شهر چیزی برندارید، تا حدی خود را به بی‌اطلاعی بزنید و در مورد همه چیز اظهار فضل نکنید، سخن طرف مقابل را قطع نکنید، می‌خوارگی نکنید، زیاد کنار شاه نباشید و به دیگران هم برای اظهار وجود و سخنرانی فرصت دهید، اسرار را حفظ کنید (ابن‌فرا، ۱۳۶۳، ص ۴۳).

اسکندر اعتقاد داشت که پادشاهان نباید با سفیران بحث کنند؛ چراکه سفیر تنها پیام‌آور است و اگر در بحث پادشاه بر سفیر پیروز شود کاری نکرده است و اگر مغلوب شود، عیب پادشاه به حساب می‌آید. ایرانیان نیز برای اطمینان از عمل‌کرد سفیر همیشه بر او بازرس و جاسوس می‌گماشتند، نظام ارزیابی دقیقی داشتند که درستی و نادرستی کارکرد را مشخص می‌کرد. چهار تکنیک اصلی که ایرانیان به سفیران آموزش می‌دادند چنین بوده است؛ به پادشاه دروغ نگوئید، چیزی که از شما پرسش نشده است پاسخ نگوئید که نشانه بی‌ادبی است، در مقابل پادشاه، ستایش مخالف او را انجام ندهید که تحقیر سلطان است، او را بر ضد مردمش نشورانید، زیرا شاه به مردم نیاز دارد (ابن‌فرا، ۱۳۶۳، ص ۶۴). این‌ها همه تکنیک‌هایی واقع‌گرایانه و محافظه‌کارانه بود که ابن‌فرا از آداب سفارت ایرانیان باستان نقل می‌کند.

واقع‌گرایی ابن فرا آن‌جاست که رویکرد سیستمی به سفارت دارد و می‌گوید: زیربنای سفارت خوب خراج کم گرفتن می‌باشد. هر چه پادشاه مالیات کم بگیرد، مردم اعتماد بالاتری به حکومت پیدا می‌کنند. خراج و مالیات بالا باعث ناامنی و شورش می‌شود. عدالت زیربنای حکومت است که باعث می‌شود امور در جریان اصلی خود باشند. حکومت عادل از دشمنی مردم ایمن است؛ چراکه خزانه‌اش غنی، سپاهی قدرت‌مند و مملکتی آباد دارد. البته ابن فرا عامل فروپاشی روم و ایران را زورگویی، گرفتن مالیات زیاد و تجمل می‌داند و از قرآن آیه‌ای می‌آورد که پیش‌بینی کرده است سپاه اسلام لشکریان امپراطوری روم و ایران را در هم خواهند شکست (ابن فرا، ۱۳۶۳، ص ۵۶).

جدول (۳): پدیدارشناسی تکنیک‌های دیپلماتیک ابن فرا

دیپلماسی متافیزیک	زمینه استبدادی	گزینه‌های استخدام	آئینه‌ای بودن	سازه‌ای بودن	فنون مسالمت‌آمیز	تکنیک‌های ایرانی	آسیب‌شناسی
سفیر همانند رسول است - رساندن وحی - پدیدار کاملاً الهیاتی	نامنی جانی سفیران - بی‌ادبی پادشاهان - متن اجتماعی استبدادی	قبیله معروف - حکمرانی بر خود و تقوا - آزمایش - تناسب اندام و ظاهر مناسب	رساندن پیام بدون تحریف و دروغ - امانت‌داری و کشور - توجه به ظاهر و تشریفات	بازنمایی قدرتمند و باشکوه حکومت و کشور - توجه به ظاهر و تشریفات	گفتار نرم - خاموشی - خویشن‌دار - ی - جلوگیری از جنگ	درون پر ز مکر و برون ساده - زیرک و هوشمند - جاسوسی کردن	کیفی بودن - معیارهای متناقض - اخلاق جایگاهی - استبداد و ناامنی سفارت

نتیجه‌گیری

فرستاده باید فرستاده‌ای
فرستاده باید که دانا بود
درون پر ز مکر و برون ساده‌ای
به گفتن دلیر و توانا بود (فردوسی)

نوشته‌های ابن فرا نشان از نزدیکی دو بعد تئوریک و عملی سیاست در جهان اسلام و ایران دارد. سیاست بومی در تمدن اسلامی سابقه فراوانی دارد و بسیاری از تکنیک‌های رایج امروزی نیز در ادبیات بسیار کارآمد ابن فرا وجود دارد. به لحاظ حکومت‌مندی یعنی شیوه‌های عملی فکر کردن در باب قدرت، ابن فرا در دوره متافیزیک، تولید دانش می‌نماید. فرمول حکومت‌مندی متافیزیک به سامان‌دهی قدرت از منظر اخلاق، حکمرانی بر خود و صفات کیفی کارگزاران حکومتی اشاره دارد. عالم محضر خداوند است

و انسان نشانه‌ای از وجود پروردگار که باید شبیه او باشد. سیاست به معنای شبیه شدن به خداوند است و سفارت همانند کار رسولان ترویج پیام رستگاری وحی است. بسیار اهمیت دارد که چه کسی سفیر باشد؛ چراکه هنوز حکومت‌مندی مدرن مبتنی بر بروکراسی وجود ندارد. مهم فردی است که صبور، دین‌دار، ساده زیست، متأهل و متعهد باشد. البته خوش قامتی، تناسب اندام، زبان‌دانی و خوش‌سخنی نیز از الزامات است. سفیر باید از طایفه شناخته شده‌ای بوده و نسب اشرافی داشته باشد. در نهایت نیز از آزمونی عملی در داخل کشور گرفته می‌شود.

با همه نوآوری‌ها و خلاقیتی که این فرا دارد و ارزشی که رساله او داراست، با توجه به اخلاق متناسب با شرایط و دور بودن از فرمول‌های مشخص، این فرا در بسیاری از مواقع میان برخی از اصول و مبانی سرگردان است. برخی از تکنیک‌های حکومت‌مندی این فرا برای عملیاتی شدن در روزگار امروز با موانعی روبه‌رو می‌شوند. بسیاری از استانداردهای این فرا جهت انتخاب و ارزیابی سفیر کیفی است، اما بدون تکنیک‌هایی که آن‌ها را عملیاتی کند. برخی از اصول رفتار سفیر با یکدیگر تضاد پیدا می‌کنند. بالاخره سفیر باید مثل آینه رفتار کند یا این که بازنمایی دیپلماتیک داشته باشد؟ منابع ایرانی و اسلامی گاهی با یکدیگر رابطه متضاد برقرار می‌کنند. بر اساس رفتار ایرانی تجمل و آیین تشریفات الزامی است، اما تکنیک‌های اسلامی بر ساده زیستی در رفتار سفیر تأکید دارند. مبانی دیپلماسی این فرا به شدت استبدادی است و در فضای عدم قطعیت سیر می‌کند، به نحوی که دیپلماسی رابطه یک‌طرفه و بسیار خطرناک است. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت حکومت‌مندی این فرا در جهت ایجاد تکنیک‌های دیپلماتیک در نوع خود با توجه به ادبیات کلاسیک و متافیزیک آن بسیار ارزشمند و در خور بررسی انتقادی برای روزگار ما است. اما فضای استبدادی روزگار او و رفت‌وآمد قبایل سرکوب‌گر و دشمن تمدن این رویه را تکامل نبخشید و رویه‌های اشرافی، کیفی، ناامن، دانش سیاست بین‌الملل در تمدن اسلامی و ایرانی را، با تکنیک‌های ساده و دم‌دستی در عرصه دیپلماسی همراه ساخت.

منابع

قرآن کریم

ابن فرا (۱۳۶۳). *رسال الملوک* (مصحح و نویسنده ص. المنجد، ترجمه پ. اتابکی). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

آرنت، ه. (۱۳۸۹). *توتالیتراریسم* (ترجمه م. ثلاثی). تهران: ثالث.

آرنت، ه. (۱۳۹۰). *وضع بشر* (ترجمه م. علیا). تهران: ققنوس.

- آگامبن، ج. (۱۳۸۹). *آپاراتوس چیست؟* (ترجمه ی. همتی). تهران: رخداد نو.
- بیمل، و. (۱۳۸۷). بررسی روشن‌گرانه اندیشه‌های مارتین هایدگر (ترجمه ب. عبدالکریمی). تهران: سروش.
- جاحظ، ا.ع. (۱۳۰۸). تاج (ترجمه ح. نوبخت). تهران: کمیسیون معارف.
- دبیری، م. (۱۳۶۹). *استراتژی و تاکتیک در مذاکرات دیپلماتیک*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- دردریان، ج. (۱۳۸۰). *نظریه انتقادی، پست‌مدرنیسم - نظریه مجازی در روابط بین‌الملل* (ترجمه ح. سلیمی). تهران: گام نو.
- رجایی، ف. (۱۳۷۶). *معرکه جهان جهانی‌بینی‌ها*. تهران: احیا کتاب.
- روزنتال، ا.ج. (۱۳۸۷). *اندیشه سیاسی در اسلام* (ترجمه ع. اردستانی). تهران: قومس.
- فارابی، ا.ن. (۱۳۸۹). *السیاسه المدینه* (ترجمه ح. ملکشاهی). تهران: سروش.
- فدایی، م.م. (۱۳۸۹). *نظریه استیلا در اندیشه سیاسی ابوعلی بن فرا، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، ۸ صص ۹۵-۷۸*.
- فراستخواه، م. (۱۳۸۸). *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران*. تهران: رسا.
- فروید، ز. (۱۳۹۰). *تلی از تصاویر شکسته* (ترجمه ش. وقفی‌پور). تهران: چشمه
- فوکو، م. (۱۳۸۹). *تئاتر فلسفه (گزیده درس گفتارها، کوتاه نوشت‌ها و گفت‌وگوها)* (ترجمه ن. سرخوش و ا. جهانانیده). تهران: نی.
- فیرحی، د. (۱۳۸۹). *دین و دولت در عصر مدرن، دولت اسلامی و تولیدات فکر دینی*. تهران: رخداد نو.
- فیشر، ر. یوری، و. (۱۳۷۰). *اصول و فنون مذاکره* (ترجمه م. حیدری). تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- کنوبلاخ، ه. (۱۳۹۰). *مبانی جامعه‌شناسی معرفت* (ترجمه ک. راس). تهران: نی.
- هایدگر، م. (۱۳۸۹). *هستی و زمان* (ترجمه ع. رشیدیان). تهران: نی.
- هایم، م. (۱۳۹۰). *متافیزیک و واقعیت مجازی* (ترجمه س. تربیتی). تهران: رخداد نو.
- هدی، ف. (۱۳۸۸). *اداه امور عمومی تطبیقی* (ترجمه م. الوانی). تهران: چاپ و انتشارات.
- یونگ، ک. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه* (ترجمه م. ع. امیری). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- Berridge, C. R. (2002). *Diplomacy theory and practice*. New York: Palgrave.
- Berridge, G. R., & James. A. (2001). *A dictionary of diplomacy*. New York: Palgrave Macmillan.
- Drummond, J. (2000). Political community, in K. Thompson & L. Embree (eds.). *Phenomenology of the political*. Netherlands: Kluwer Academic Publishers.

- Foucault, M. (2008). *The birth of biopolitics lectures at the college de France, 1978–79* (Edited by Michel Senellart). London: Palgrave Macmillan.
- Foucault, M.. (2011). *The courage of the truth (the government of self and others ii) lectures at the college de France 1983–1984* (Edited by F. Gros, General Editors: F. Ewald & A. Fontana, English series editor: A. I. Davidson, translated by G. Burchell). London: Palgrave Macmillan.
- Hocking, B. (2005). Rethinking the ‘new’ public diplomacy, in J. Melissen. *The new public diplomacy soft power in international relations*, New York: Palgrave Macmillan.
- Husserl, E. (1992). *The Idea of Phenomenology* (Translated y L. Hardy). Kluwer Academic Publishers.
- Nye, J. (2008). *The powers to lead*, London: Oxford University Press.
- Stedman Jones, S. (2009). Representation, reality and the question of science, in w. S. F. Pickering. *Durkheim and representations*. London and New York: Routledge.